

بررسی ترجمه‌های انگلیسی منطق الطیر عطار بر پایه‌ی برداشت درست از متن مبدأ  
(مطالعه‌ی موردی ترجمه‌های شعله و لپی و دیک دیویس از داستان شیخ صنعان)

سونیا نوروزی جعفرلو\*

محمدحسین نیکدار اصل\*\*

عبدالواحد ظریفی\*\*\*

الهام خلیلی جهرمی\*\*\*\*

### چکیده

ترجمه‌ی شعر، مستلزم فهم درست آن است. دشواری فهم شعر، معمولاً سبب برداشت نادرست مترجمین از آن و بروز خطا در ترجمه می‌شود. پژوهش حاضر به شیوه‌ی توصیفی و با رویکرد انتقادی به واکاوی ترجمه‌های شعله و لپی و دیک دیویس از منطق الطیر عطار با تمرکز بر داستان شیخ صنعان می‌پردازد و وفاداری مترجمین به متن مبدأ و برداشت درست ایشان از آن را ارزیابی می‌نماید. بررسی ترجمه‌های یاد شده نشان می‌دهد که اشکال اصلی هر دو ترجمه در فهم ساخت‌های کنایی و نحوی متن مبدأ است. این مسأله پیامد دانش ناقص ادبی و اطلاعات ناکافی مترجمین از زبان هنری شعر است. خطای دیگری که در هر دو ترجمه نمونه‌هایی از آن وجود دارد، ایرادات ناشی از خوانش نادرست متن مبدأ است. خوانش متون فارسی - به دلیل عدم وجود حرکت‌گذاری در رسم‌الخط فارسی و وجود کلمات هم‌آوا در زبان فارسی - دشوار است. این دشواری گاه خوانندگان فارسی‌زبان را هم به چالش می‌کشد. یکی از موارد قابل توجه که در فرآیند ترجمه میان متن مبدأ و مقصد شکاف ایجاد می‌کند، اختلافات فرهنگی شاعر و مترجم است. در ترجمه‌ی دیویس - به عنوان مترجم غیر فارسی‌زبان -

---

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج، [s.noroozi.jafarloo@gmail.com](mailto:s.noroozi.jafarloo@gmail.com)

\*\* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج، [mnikdarasl@yu.ac.ir](mailto:mnikdarasl@yu.ac.ir) (نویسنده‌ی مسئول)

\*\*\* دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه یاسوج، [vzarifi@yu.ac.ir](mailto:vzarifi@yu.ac.ir)

\*\*\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز، [khalilijahromi115@yahoo.com](mailto:khalilijahromi115@yahoo.com)

شواهدی از عدم پابندی به متن مبدأ به دلیل تفاوت فرهنگی جامعه‌ی مبدأ و مقصد وجود دارد. در این نمونه‌ها، گرایش‌های فرهنگی مترجم (جامعه‌ی مقصد) سبب تعدیل متن به نفع فرهنگ مقصد شده است. بر مبنای یافته‌های این پژوهش، ترجمه‌ی وُلپی نسبت به دیویس به متن اصلی نزدیک‌تر است.

**واژه‌های کلیدی:** برداشت درست از متن، ترجمه‌ی منطق‌الطَّیر، دیویس، نقد ترجمه، وُلپی.

### ۱. مقدمه

ترجمه، برگردان یک متن از یک جامعه‌ی زبانی (زبان مبدأ) به جامعه‌ی زبانی دیگر (زبان مقصد) بدون تغییر در صورت و معنا است (صفوی، ۱۴۰۰: ۹). بر این اساس اولین رسالت مترجم، امانت‌داری نسبت به متن مبدأ است اما چون که دو زبان هرگز همانند نیستند، همچنان که دنیای اهالی دو زبان همسان نیست، امانت‌داری نسبت به متن مبدأ کار دشواری است. همواره به دلیل تفاوت‌های زبانی و فرهنگی جامعه‌ی مبدأ و مقصد، این خطر وجود دارد که جنبه‌هایی از متن مبدأ در زبان مقصد درک نشود. بنابراین مترجم باید ضمن حفظ امانت، متن را برای جامعه‌ی مقصد نیز قابل فهم نماید. این دشواری در ترجمه‌ی متون ادبی بسیار بیشتر است. «در ترجمه‌ی متن ادبی برگزیدن معادل مناسب برای واژه‌ها، رابطه‌ی مستقیم با دانش مترجم از محیط متن مبدأ دارد. هر چه این محیط ویژه‌تر و آمیختگی‌اش با فرهنگ جامعه‌ی مبدأ بیشتر باشد، ترجمه دشوارتر خواهد بود» (صفوی، ۱۴۰۰: ۵۴). ترجمه‌ی شعر، دشوارترین و شاید ارزنده‌ترین نوع ترجمه‌ی ادبی به شمار می‌آید زیرا در شعر «زبان دارای دو نقش اصلی ارتباطی و زیبایی‌شناختی است و هر قدر از ظرفیت زیباشناختی زبان در متن مبدأ بیشتر استفاده شده باشد، ترجمه‌ی آن نیز دشوارتر است» (صلح‌جوی، ۱۴۰۰: ۲۲). در شعر، معنا و صورت درهم تنیده‌اند و زبان شعر عمدتاً ضمنی است. این مسئله باعث ایجاد برداشت‌های متعدد و گاه نادرست از شعر می‌شود. (بیکر و سالدنیا، ۱۳۹۶: ۲۵۵-۲۶۰).

دشواری انتقال همزمان صورت و معنای شعر و وقوف بر مشخصاتی از متن اصلی که نمی‌توانند در فرهنگ زبانی مقصد بیان شوند، گروهی را به باور "ترجمه‌ناپذیری شعر" رسانده است (همان: ۲۵۳-۲۵۴). "ترجمه‌ناپذیری" یعنی برخی از مفاهیم زبان مبدأ را نمی‌توان به زبان مقصد انتقال داد زیرا خارج از ظرفیت زبان مقصد است. ریشه‌ی این مسأله در پدیده‌ی "نسبیت زبانی" است. نسبیت زبانی یعنی این‌که هر زبان در حوزه‌ی خاصی ممکن است از زبان‌های دیگر غنی‌تر باشد. مثلاً عرب‌ها در زمینه‌ی شتربانی، اسکیموها در مورد برف و فارسی‌زبان‌ها در حوزه‌ی عرفان، شبکه‌ی گسترده و ظرفی‌ی از اصطلاحات دارند. وجود این حوزه‌های خاص اصطلاحی در زبان مبدأ و نبود آن در زبان مقصد، عامل ترجمه‌ناپذیری برخی متون است (صلح‌جوی، ۱۴۰۰: ۴۲-۴۴). در فرهنگ غرب شیموس، هینی و رابرت فراست، ... مباحثی در این زمینه داشته‌اند. در فرهنگ ما نیز نخستین بار جاحظ در کتاب الحیوان به ترجمه‌ناپذیری شعر اشاره کرده است (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۱: ۷۴۳-۷۴۴). در میان پژوهشگران معاصر نیز دکتر شفیعی‌کدکنی مقاله‌ای با عنوان «در ترجمه‌ناپذیری شعر» دارد. از این حیث آسیب‌های وارده به شعر در ترجمه، نسبت به سایر گونه‌های ادبی بیشتر و لزوم آشنایی مترجم با موقعیت زمانی، فرهنگی و مکانی متن مبدأ چند برابر است. در مورد شعر عرفانی زبان فارسی، مسأله به مراتب غامض‌تر است. چنانچه در بحث «نسبیت زبانی» عنوان شد، زبان فارسی در مقوله‌ی عرفان، زیرساختی غنی از واژگان، تعابیر و اصطلاحات دارد. پرواضح است که بازسازی معنی از این زبان غنی در زبان‌های دیگر تا چه حد می‌تواند چالش‌برانگیز باشد.

دکتر شفیعی‌کدکنی در مقدمه‌ی منطق‌الطیر معتقدند که شعر عرفانی زبان فارسی، سه موج بزرگ دارد: خیزاب اول سنایی، دومین خیزاب عطار و کوه‌موج بعدی مولوی است. شعر عرفانی را که سنایی شروع کرد، عطار پرورش داد و مولانا به عالی‌ترین حد رساند (عطار، ۱۴۰۱: ۳۸). طرفه آن‌که اکثر پژوهشگران معتقدند، اندیشه و شعر مولوی - به عنوان قله شعر عرفانی - متأثر از عطار است؛ چنان‌که مرحوم فروزانفر می‌گویند: «کثرت مطالب و حکایاتی که مولانا از آثار عطار در مثنوی و غزلیات شمس اقتباس کرده، دلیلی بر آن

است که وی را به آثار عطار انس و عشق تمام است» (فروزانفر، ۱۳۵۳: ۷۳-۷۰). منطق‌الطیر را می‌توان شاهکار آفرینش‌های ادبی عطار دانست. منظومه‌ای در بیان دشواری‌های سلوک که در قالب توصیف سفر مرغان به سوی سیمرغ و شرح ماجراهای ایشان است. «داستان منطق‌الطیر، یک تمثیل رمزی کوتاه است که با تمثیل‌های متعدد حجیم شده است. تمثیل است چون نماینده‌ی معنایی است که مؤلف آگاهانه در آن پنهان کرده است؛ رمزی است زیرا در سطح ظاهر کلمات، مدلول واقعی قرار ندارد» (پورنامداریان، ۱۳۹۴: ۲۸۷).

در دویست سال اخیر در پی اقبال گسترده‌ی مستشرقین، ترجمه‌های مختلفی از آثار ادبی زبان فارسی به‌ویژه متون عرفانی، نظیر منطق‌الطیر عطار انجام شده است. منطق‌الطیر نخستین بار به زبان آلمانی ترجمه شده و اولین ترجمه‌ی انگلیسی آن را فیتزجرالد انجام داده است. پس از جرالد، مترجمین دیگری نیز در ترجمه‌ی منطق‌الطیر طبع‌آزمایی کرده‌اند:

-FitzGerald, Edward (tr.) (1889), *Bird Parliament: A Bird's-Eye view of the Bird Parliament*, London and New York: Macmillan and Co.

-Nott, Charles Stanley (tr.) (1954), *The Conference of The Birds: Mantiq Ut-Tair; a Philosophical Religious Poem in Prose* (1st ed.), London: The Janus Press, reissued by Routledge and Kegan Paul Ltd, 1961.

-Davis, Dick (tr.); Darbandi, Afkham (tr.) (1984), *The Conference of the Birds*, Penguin Classics, ISBN 0140444343, re-edited in 2013 as *The Canticle of the Birds: Illustrated Through Persian and Eastern Islamic Art*, published by Diane de Sellier (Éditeur.), ISBN 2364370310.

-Avery, Peter (tr.) (1998), *The Speech of the Birds*, Islamic Texts Society, ISBN 0946621705

-Masani, R. P. (tr.) (2001), *Conference of the Birds: A Seeker's Journey to God*, Weiser Books, ISBN 1609252233.